

حجت‌الاسلام والمسلمین نواب از پنج دهه همراهی، زهد کم نظیر، مردم‌داری و نگاه عقلانی آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی به رهبری می‌گوید

فقیهی که فقاہت را در اوج تواضع، آزاداندیشی و وقار معنا بخشید



مریم احمدی شیروان | تاریخ حوزه‌های کهن علمیه همواره با نام بزرگمردانی گره خورده است که فراتر از قیل وقال الفاظ، مظهر تقوای ملموس، عقلانیت راستین و پناهگاه فکری و معنوی جامعه‌بوده‌اند؛فقیهانی‌ست‌رگ که‌سنگینی‌بار امانت دین را با حلم، مدارا و بی‌اعتنایی تام به جلوه‌های فریبنده دنیا به دوش کشیدند. ارتحال فقیه نامدار و روحانی کم‌نظیر عصر، مرجع بیدار و ژرف‌اندیش، مرحوم آیت‌الله‌العظمی حاج آقا موسی شبیری زنجانی، فقدانی جبران‌ناپذیر برای جهان تشیع و حوزه‌های فکری اسلام است؛ شخصیتی که فضل و فقاہت را در اوج تواضع، آزاداندیشی و وقار معنا بخشید. در این میان، بازخوانی ابعاد ناگفته و کمتر شنیده‌شده از سیره علمی، اجتماعی و منظومه فکری این مرجع فقید، ادای دینی واجب به‌مقام شامخ عالمان راستین است، برای شناخت دقیق‌تر این اسوه‌وارستگی، باحجت‌الاسلام والمسلمین سیدابوالحسن نواب، مؤسس دانشگاه ادیان ومذاهب که از شاگردان برجسته و همراهان همیشگی ایشان بوده و سال‌ها رابطه‌ای فراتر از شاگردی و مبتنی بر پیوندی پدر و فرزندی با بیت معظم‌له داشته‌است، به‌گفت‌وگو نشستیم؛ایم که در ادامه می‌خوانید.

■ **سایه‌رمهر پدری و حریمی پیراسته از ادعا و دنیاطلبی**

حجت‌الاسلاموالمسلمین نواب در ابتدا با اشاره به ریشه‌های دیرین آشنایی خود با این فقیه وارسته می‌گوید: ورود ما به مدرسه حقانی در سال ۱۳۵۱ توفیق همسایگی با آیت‌الله شبیری زنجانی را به همراه داشت؛ خانه‌شان چسبیده به مدرسه بود و فرزند ارشدشان، آقا سید محمد، هم کلاس ما بودند. این هم‌جواری به برپایی نماز جماعت ایشان در مدرسه و دستپوسی مستمرشان انجامید و از پیش از انقلاب به‌خصوص پررنگ در درس خارج و جلسات مباحثاتی ایشان متصل شد. پس از مهاجرت‌به تهران نیز با بزرگوار، درسی در پایان هفته برای ما ترتیب دادند که تا سال‌ها ادامه داشت. در ایام ریاست دانشگاه‌سیاه نیز افتخار رانندگی ایشان در سفرهای متعدد به تهران، اصفهان و مازندران با من بود. با انتقال منزل ایشان در قم دوباره همسایه شدیم، این مراده چنان عمیق بود که پس از رحلتشان، من، همسر و فرزندانم داغدار فقدان پدری حقیقی شدیم؛ چراکه ایشان پس از وفات پدرم، سال‌ها جلی خالی سایه والدانه را در زندگی‌ام پر کرده بودند.

وی در تشریح زهد کم‌نظیر و وارستگی اخلاقی معظم‌له یادآور می‌شود: بنده بیش از آنکه شاگرد فقه ایشان باشم، مسجور حلم، سعه‌صدر و منش ایشان بودم. جایگاه حاج آقا موسی دقیقاًهمانند آیت‌الله‌بهجت بود؛ استادی تمام‌عیار در اخلاق و معنویت که حتی از پذیرش عنوان استاد اخلاق نیز می‌گریخت و ابا داشت، درحالی‌که بزرگانی چون آیات مشکینی و احمدی میانجی در محضرش فروتن بودند. ایشان و بیت شریفشان سرسختانه از دستیابی به مناصب‌دنیوی و ظواهر قدرت دوری می‌گزیدند؛ چنان‌که فرزند ارشدشان دعوت رسمی عضویت در جامعه‌مدرسین را رد کرد و خود آقا حتی در برابر واسطه‌های

و جهات مالی واکنش تند نشان می‌دادند و می‌فرمودند حاضر نیستند آخرت خود را برای دنیای دیگران خراب کنند. در مشهد نیز با وجود فراهم‌بودن امکانات، تا پایان در خانه‌ای بسیار محقر سکونت گزیدند و همسر قدکار و فاضله ایشان نیز که حافظه درخشانی در اشعار ولایی داشتند، در کمال ایثار دوشادوش معظم‌له نماز زیست‌مؤمنانه بودند.

■ **نبوغ فقهی در جوانی و نوآوری‌های راه‌گشای علمی**

مؤسس دانشگاه ادیان و مذاهب در تبیین جایگاه علمی و بالندگی ایشان در میان بزرگان حوزه می‌گوید: آیت‌الله شبیری زنجانی از جوانی و ستین حدود۳۳ سالگی از سرآمدان رجال علمی شناخته می‌شدند؛ به‌طوری‌که والد ارشدشان، مرحوم آیت‌الله سید احمد زنجانی، در تألیفات خود از ایشان به عنوان یکی از مفاخر علم یاد کرده‌اند. ایشان در درس مرحوم

آیت‌الله‌العظمی داماد هم‌دوره و هم‌مباحثه نامدارانی چون امام موسی صدر و شهید بهشتی بودند و نبوغ علمی‌شان چنان درخششی داشت که شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر با درک عمیق از این جایگاه، مکاتباتی پر از تمجید و تکریم با ایشان داشتند. شبکه ارتباطی ایشان با علمای مازندران، اصفهان و سایر بلاد موجب شد بسیاری از اساتید امروز حوزه همچون آیات مؤمن، طاهری خرم‌آبادی، استادی و خرازی به دقت‌نظرها و موشکافی‌های ایشان در فقه و رجال معترف باشند؛ شخصیتی که احاطه‌اش بر جریان‌شناسی فقه‌ای یک قرن اخیر بی‌همتا و کم‌نظیر بود.

استاد نواب در تشریح رویکرد اجتهادی، آرا و نوآوری‌های فقهی این مرجع تقلید خاطرنشان می‌کند: اثر سترگ و ۱۷ جلدی «کتاب النکاح» شاهدهی بر ژرف‌اندیشی و پرهیز ایشان از هرگونه سطحی‌نگری است. ایشان در عین التزام به احتیاط شرعی، نگاهی کاملاً گره‌گشا و واقع‌بینانه به مسائل مستحدثه داشتند. ازجمله فتاوی دقیق ایشان این بود که تومر را ذاتاً موضوع خمس نمی‌دانستند و افزایش اسمی ارزش مال بر اثر کاهش ارزش پول را مشمول خمس به‌شمار نمی‌آوردند. همچنین در پرداخت مهریه‌های قدیمی، قدرت خرید زمان عقد و ارزش واقعی را ملاک قرار می‌دادند، نه رقم اسمی صرف را. عدم وجوب قرائت سوره در نماز و جواز طلاق ولایتی در موارد عسر و حرج شدید و طاق‌غرسای زنان به‌پیروی از سیره‌والدشان، از دیگر ابعاد نگاه اجتهادی ایشان بود. علاوه بر این، همواره شاگردان را از کارهای تکراری بازمی‌داشتند و بر غنا بخشی به میراث قدما پای می‌فشردند.

■ **آزاداندیشی در گفت‌وگو و بالندگی پیوند حوزه با دانشگاه**

حجت‌الاسلام والمسلمین نواب با اشاره به تسلط گسترده و چندبعدی ایشان بر علوم و معارف اسلامی تشریح می‌کند: احاطه معظم‌له منحصر به فقه نبود؛ ایشان هزاران بیت شعر را در حافظه داشتند، در علم انساب، ریاضیات، نجوم، تاریخ و خطاطی متبحر بودند و حتی بر اسناد روایی اهل سنت و سلسله‌اجازات تا پیامبر اکرم(ص) تسلطی شگرف داشتند. افزون بر تسلط کامل بر زبان ترکی و مراده صمیمی با علمای آذربایجان و چهره‌هایی چون آقای مجتهدی، ذهنی بسیار باز در پذیرش گفت‌وگو داشتند. در جلسه‌ای تاریخی که مرحوم آیت‌الله موسوی اردبیلی، شیخ‌وهبه‌الرحیلی از علمای شاخص اهل سنت را به‌شام دعوت کرده بودند، در برابر تندیرو برخی حاضران ایستادند و بر ضرورت صیانت از ادب مناظره تأکید ورزیدند. حتی وقتی سخنرانی من در میان اهل سنت

■ **غلبه قلم و درم بر حقیقت؛ بازتولید چهره‌ای مکار از مختار**

■ **۶۰ سال تخریب سازمان یافته و روشنگری امام باقر(ع)**

زاهدان مطرح شد، متن را با سعه‌صدر بازخوانی کردند و با درک عمیق از لزوم رعایت لسان مخاطب، رویکرد تقریبی و وحدت‌آفرین را مهر تأیید زدند.

وی در تشریح رویکرد هم‌گیرانه ایشان با علوم روز و ساختار خانواده معظم‌له یادآور می‌شود: نگاه آیت‌الله شبیری به دانشگاه بسیار باز و عاری از هرگونه تعصب بود؛ چنان‌که جمع کثیری از نخبگان دانشگاهی از ارادتمندان مخلص ایشان به شمار می‌فتند. این اعتدال در تربیت فرزندانشان تبلور عینی داشت؛ ایشان پنج فرزند فاضل روحانی تربیت کردند که هر پنج نفر در اوج فقاہت و در مرتبه اجتهاد هستند و مرکز فقهی آقا سید محمد از میر‌ترین کانون‌های اجتهادی کشور است که ثمرات آن در مجلس خبرگان حضور دارند. در کنار فرزندان حوزوی، سه فرزند دیگر ایشان مدارج عالی مهندسی، نفت و پزشکی متخصص زنان را در بالاترین سطوح پیموه‌اند. فرزندان معظم‌له نه‌تنها متدین و موفق، بلکه دل‌داده مسلک پدر هستند و نشان دادند بیت مرجعیت می‌تواند پیوندی وثیق و هم‌افز میان اصالت حوزوی و تخصص‌های دانشگاهی پدید آورد.

■ **جامعه‌شناسی دقیق فقیه و پرهیز از رفتارهای فرساینده**

مؤسس دانشگاه ادیان و مذاهب در ادامه با تأکید بر شناخت عمیق این عالم وارسته از تحولات اجتماعی و روحیات مردم می‌گوید: ایشان تأکید داشتند حوزه باید کارخانه انسان‌سازی باشد و جوهره روحانیت در باطن و معنویت نهفته است، نه عنوان و لباس. یکی از توصیه‌های کلیدی ایشان، مراعات ظرفیت مردم بود؛ مگر هر هشداری می‌دادند بر نامه‌ها و عزاداری‌ها

را نباید آن قدر طولانی و پرشمار کرد که موجب ملال و زدگی جامعه شود. می‌فرمودند مجالس روضه بزرگان در گذشته بسیار کوتاه، مختصر و اثرگذار در حد ۲۰ دقیقه بود. ارتباط عاطفی و صمیمانه ایشان چنان کششی داشت که حتی جوانان پاسدار وظیفه در سفرهای قم به تهران برای همراهی با این پیر فرزانه مسابقه می‌گذاشتند؛ چراکه با جوانان ارتباطی برآمده از محبت، درک متقابل و بدون تکلف برقرار می‌کردند و نبض عواطف عمومی جامعه را به‌نیکی می‌شناختند.

وی در تشریح مدارای دینی و سلوک اجتماعی معظم‌له در مواجهه با چالش‌های رفتاری جامعه اضافه می‌کند: آیت‌الله شبیری زنجانی در مواجهه با مسائلی نظیر حجاب، نگاهی فوق‌العاده عمیق و منسجم داشتند و تأکیدی می‌کردند ضعف در پوشش ظاهری برخی بستگان، نباید مجوزی برای ترک پیوندهای خانوادگی و صلہ رحم تلقی شود. می‌فرمودند صلہ

شده؛ تهمت‌هایی که با گذشت ایام چنان در اذهان رخنه کرد که حتی بخشی از پیروان و شیعیان نیز او را فردی کذاب و بدمذهب پنداشتند و بر زبان خویش دشنام و لعن او را جاری کردند. این فضا سازی شوم کار را بدان جا رساند که امام محمدباقر(ع) در اوج دوران مخاطره و حققان تقیه، شخصاً وارد میدان شدند و برای زدودن این شبهه اعلام کردند: «مختار را دشنام ندهید، زیرا او قاتلان ما را کشت». اگر تک‌تک دعای مطرح‌شده علیه مختار، نظیر دروغ‌گویی، ادعای مہدویت برای محمد بن حنفیه یا پایه‌گذاری فرقه کیسانیه، در بستری از فضای شکل‌گیری و انگیزه‌های نقل اخبار مورد سنجش و داوری منصفانه قرار گیرد، روشن خواهد شد او در عمده این اتهام‌های سنگین، ساحت‌پاکی دارد و تبرئه می‌شود.

■ **اتهام کذب نبوت و تأویل واهی کلام مسیح**

از روشن‌ترین مصادیق اتهام تراشی، نسبت دادن «ادعای پیامبری و نبوت» به مختار است. این مدعا افزون بر کتب عامه، حتی در روایتی از بحارالانوار به نقل از امام سجاد(ع) بازتاب یافته که متضمن لعن او است بر این پایه که «بر خدا ویر ما دروغ بست، زیرا گمان می‌کرد به او وحی می‌شود»؛ در حالی‌که در این حدیث(که گویا نخستین بار در المحاضر حسن بن سلیمان در قرن هشتم آمده و در منابع مقدم دیده نمی‌شود) و دیگر متون شیعی ابدار روشن نشده که مختار چه زمان و چگونه چنین ادعایی را بر زبان آورده است. شگفت آنکه در آثار اهل سنت برای اثبات این مدعا استدلالی آورده‌اند که پرده از حقیقت برمی‌دارد: آنان نمونه‌هایی از خطبه‌ها و نامه‌های او را گواه آورده و مدعی شده‌اند که او به سبک قرآن و مسجح سخن می‌گوید. با وجود این، در تمامی عبارات بازمانده از مختار، نه ادعای

پیامبری به چشم می‌خورد و نه سخنی از نزول جبرئیل در میان است. حتی شگفت‌آورتر آنکه در همان خطبه‌ها، او بهشت بر مسلمانی خود، یارانش و بر وعده نصرت الهی برای مسلمانان یافشاری می‌کند. حال باید پرسید آیا از این متون، پایبندی به اسلام آشکار می‌شود یا ادعای نبوت؟ و آیا هرکس بیانی فصیح، زیبا و مسجع داشت، مدعی پیوند با عالم وحی است؟

■ **نقد سندی روایات مذمت و هدف قرار دادن کل تشیع**

ریشه‌یابی این اتهام‌ها نشان می‌دهد منشأ تمامی آن‌ها منابع متقدم‌تسین، چون «طبقات» ابن‌سعد، «المسند» احمد بن حنبل، «الامامة والسیاسة» منسوب به ابن‌قتیبه و «انساب‌الاشراف» بلاذری است؛ اخباری که به‌تدریج به آثار بینابینی، چون تاریخ طبری و مروج‌الذهب مسعودی، سرایت یافت و در کتب متأخر ماندگار شد. در ساحت بررسی‌های رجالی و حدیثی شیعه، تحقیقات دقیق فقیهانی چون مرحوم آیت‌الله خویی اثبات کرده روایاتی که در نکوهش مختار نقل شده، از حیث اسناد دارای ضعف اساسی بوده یا به لحاظ دلالت و متن مبتلا به اشکال‌های روشن است؛ حتی پاره‌ای از منقولات بحارالانوار نیز از این قاعده مستثنا نیست و نیازمند نقادی سندی است. در پایان، طرح یک پرسش بنیادین پرده از مقاصد پشت‌پرده برمی‌دارد: آیا می‌توان پذیرفت در کانون اصلی تشیع یعنی عراق و کوفه، اکثریت شیعیان با کسی پیمان وفاداری بسته و تاپی جان کشته شده باشند که مدعی نبوت بوده است؟ سازندگان این اتهام پیش از آنکه تنها در پی تخریب مختار باشند، خیمه تشیع را نشانه گرفته بودند تا پیروان اهل بیت(ع) را در تاریخ به انحراف در شریعت و کفر به خاتمیت پیامبر اکرم(ص) متهم کنند.

خبر

خطیب حرم مطهر رضوی:

پیروزی رزمندگان در دفاع مقدس جلوه‌ای از تحقق وعده‌های الهی بود

خطیب حرم مطهر رضوی گفت: پیروزی رزمندگان اسلام در دوران هشت سال دفاع مقدس، جلوه‌ای از تحقق وعده‌های الهی بود.

به گزارش آستان نیوز، حجت‌الاسلام حسین اسلامی در ویژه‌برنامه بزرگداشت هفته دفاع مقدس که با حضور جمعی از زائران و مجاوران در رواق امام خمینی(ره) حرم مطهر رضوی برگزار شد، با اشاره به حضور و اراده خداوند در همه حوادث عالم اظهار کرد: خداوند همان گونه که عالم را خلق کرده، در متن حوادث نیز حضور دارد و با اراده خود عالم را اداره می‌کند. قرآن کریم از این حقیقت با عنوان «ربوبیت» یاد کرده است.

وی تصریح کرد: سنت‌های الهی، شیوه مدیریت خداوند در عالم هستند و یکی از این سنت‌ها آن است که اراده الهی همواره با تحلیل‌های سطحی انسان قابل فهم نیست. بسیاری از حوادث، ظاهری دارند که در نگاه نخست قابل مشاهده است، اما در پس آن، باطنی نهفته است که اگر انسان به حکمت و عمق آن پی ببرد، ممکن است قضاوتش درباره آن حادثه، تغییر کند.

حجت‌الاسلام اسلامی با اشاره به داستان طالوت و جالوت در قرآن کریم اظهار کرد: در این ماجرا، گروهی اندک با امکاناتی محدود، در برابر سپاهی بزرگ قرار گرفتند، اما به اذن خداوند پیروز شدند و داوود(ع) جالوت را شکست داد.

این کارشناس مذهبی خاطرنشان کرد: تاریخ هشت سال دفاع مقدس نیز جلوه‌ای از همین سنت الهی بود. رزمندگان اسلام در شرایطی که از نظر امکانات و تجهیزات با دشمن قابل مقایسه نبودند، با ایمان، مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن ایستادند و با نصرت الهی، به پیروزی رسیدند.

وی افزود: امروز نیز ملت ایران با تکیه بر ایمان و مقاومت، در برابر فشارها و تهدیدهای دشمن ایستاده است و به فضل الهی، این ایستادگی و مقاومت زمینه‌ساز پیروزی و سربلندی ملت ایران خواهد بود.

گفتنی است؛ شعرخوانی و حماسه‌سرایی رضا نادی، دکلمه‌خوانی پرشور نوجوان مدیحه‌سرا، محمددانیال واحدیان، مرثیه‌سرایی علی خراسانی و اجرای سرود با موضوع دفاع مقدس توسط گروه سرود گل‌دسته‌های حرم، از دیگر برنامه‌های این مراسم بود.

با هدف گسترش تعاملات علمی و فرهنگی ایران و عراق تفاهم‌نامه همکاری دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه واسط عراق امضا شد



تفاهم‌نامه همکاری دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه واسط عراق، با هدف گسترش تعاملات علمی، تبادل استاد و تولید آثار مشترک به امضای رؤسای دو دانشگاه رسید. به گزارش آستان‌نیوز، در دیدار رئیس دانشگاه واسط عراق با رئیس دانشگاه علوم اسلامی رضوی، زمینه‌های توسعه همکاری‌های علمی و فرهنگی دو دانشگاه بررسی و تفاهم‌نامه همکاری میان این دو نهاد علمی و فرهنگی امضا شد.

در این نشست، دکتر عباس لفته کنیهر، رئیس دانشگاه واسط عراق با حضور در دانشگاه علوم اسلامی رضوی با حجت‌الاسلاموالمسلمین دکتر حسین فرزانه، رئیس دانشگاه رضوی دیدار و درباره ظرفیت‌های مشترک دو دانشگاه، گفت‌وگو کرد.

■ **تأکید بر تقویت پیوندهای علمی ایران و عراق**

رئیس دانشگاه واسط عراق با تأکید بر ضرورت تقویت وحدت و پیوند میان ملت‌های ایران و عراق، اعتقاد این تفاهم‌نامه را در راستای توسعه ارتباطات علمی و فرهنگی دو کشور و متناسب با شرایط منطقه، اقدامی مؤثر دانست.

بر ادامه، طرفین با بررسی زمینه‌های همکاری مشترک، بر توسعه ارتباط میان اعضای هیئت‌علمی دو دانشگاه تأکید کردند و تفاهم‌نامه همکاری به امضای رؤسای دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه واسط عراق رسید.

■ **تبادل استاد و تولید آثار علمی مشترک**

بر اساس مفاد این تفاهم‌نامه، ایجاد ارتباط میان استادان دو دانشگاه با هدف انتشار مقالات علمی در نشریات یکدیگر، انتشار آثار علمی و کتاب‌های مشترک و تبادل استاد برای تدریس و برگزاری دوره‌های علمی در دستور کار قرار گرفت. همچنین راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌های مشترک از دیگر محورهای همکاری پیش‌بینی‌شده در این تفاهم‌نامه است که با امضای رؤسای دو دانشگاه، زمینه اجرای آن فراهم شد.

■ **نخستین گام برای اجرای تفاهم‌نامه**

در نخستین اقدام عملی برای اجرای مفاد تفاهم‌نامه،